

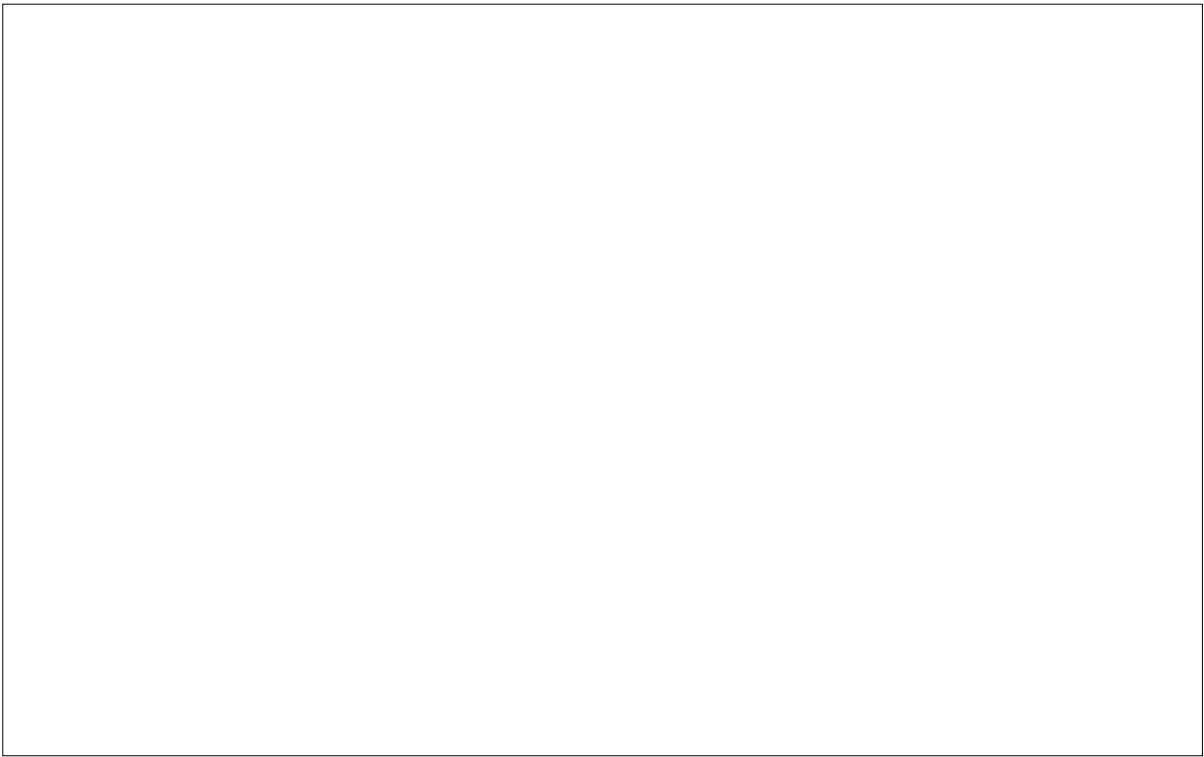
- سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳**
- سال شانزدهم ■ شماره ۲۹۰۷**



۶

ارتقای جایگاه ساختاری زنان نیازمند نگاهی فارغ از کاریکاتور

ارتقای مبتنی بر جنسیت ملاک درستی نیست/ انباشت تجربه و کارورزی نیاز امروز ارتقای ساختاری زنان



این برنامه در حوزه زنان و خانواده به‌نظر می‌رسد این برنامه اولویت‌های زنان و خانواده را به‌درستی تشخیص داده است.

نکته دیگر اینکه یکی از راهکارها برای جبران عوارض پیری جمعیت افزایش اشتغال زنان است که باید با حمایت‌های متعددی همراه شود تا از طرفی کاهش جمعیت را تشدید نکند و از طرف دیگر امکان استفاده از نیروی کار زنان بدون آسیب‌های بدنی و روحی و با درنظر گرفتن هماهنگی اشتغال، کار منزل را فراهم سازد. در این برنامه موضوع اشتغال زنان خیلی کلی بیان شده و موارد متعددی از دید آن جا مانده است، مواردی مانند اشتغال بالای زنان در مشاغل غیررسمی و مشکلات ناشی از آن. همچنین برنامه اشاره‌ای به امکان دورکاری و اشتغال پاره‌وقت زنان که روش بسیار خوبی برای موازنه اشتغال کار منزل است نکرده و گویی همه این موارد را به عهده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تدوین برنامه اشتغال بانوان را رعایت نقش زن در خانواده گذاشته است.

در مرحله تدوین طبق گفته مطلعان، نگاشتن برنامه به جای معاونت راهبردی در معاونت برنامه‌ریزی معاونت زنان انجام می‌شود که این به‌دلیل ارتباط این معاونت با سازمان برنامه و بودجه بود و باعث می‌شود برنامه نگاه راهبردی نداشته باشد، البته این ایراد به طور کلی به برنامه‌های توسعه وارد است زیرا این برنامه‌ها از یک سیاست کلی پیروی نمی‌کنند چراکه در انتهای هر برنامه با کیفیت نازلی به فکر تدوین برنامه بعدی می‌افتند.

ازطرفی به گفته کارشناسان متن این برنامه از منظرهای گوناگونی همچون میزان واقعی بودن اهداف، اهمیت دادن به اولویت‌های زنان و خانواده، جامع و مانع بودن و غیره می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا سالانه تعداد زیادی پژوهش از قبیل پایان‌نامه، مقاله و طرح پژوهشی در زمینه‌های مختلف انجام می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود برنامه‌های توسعه به‌عنوان مهم‌ترین اسناد میان‌مدت کشور از نتایج این پژوهش‌ها بهره‌مند شود چراکه به طورکلی رخصوص متن

صورت فراهم شدن زیرساخت‌های عنوان شده از طریق انباشت تجربه، به میدان دادن زنان جهت داده و امکان حضور آن‌ها را در سطوح عالی تصمیم‌سازی‌ها فراهم کنیم، تشریح کرد؛ همانطور که عنوان شد این مسئله مستلزم سیاست‌گذاری است که خوشبختانه بخشی از آن در برنامه هفتم توسعه دیده شده؛ امید می‌رود دولت چهاردهم به این امر توجه لازم را داشته باشد.

مع‌الوصف با توجه به آنچه گفته شد ضعف ساختاری حضور زنان در جایگاه‌های مدیریتی کلان کشوری امری واضح و مورد تأکید است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد برای رفع این نقص نخستین گام آسیب‌شناسی این موضوع است؛ البته چنانچه از زبان کارشناس عنوان شد، برنامه هفتم توسعه فصلی را به‌عنوان «زن، خانواده و جمعیت» اختصاص داده که در برنامه‌های توسعه پی‌نظیر است و نشان از اهمیت این امر برای برنامه‌ریزان دارد، با این حال اهمیت موضوع باعث نشده که برنامه بدون نقص باشد و انتقادهایی به نحوه تدوین، متن برنامه و اجرای آن وارد است.

زنان استفاده شده و می‌شود؟ خاطرنشان کرد؛ درواقع باید به این سؤال پاسخ داد که زنان در این حوزه چقدر تمرین کرده و کارورزی کرده و حضور جدی داشته‌اند تا در پی آن بتوان از این ظرفیت در سطوح عالی‌تر بهره برد؟

وی با تأکید بر ضرورت تجربه‌اندوزی زنان، کارورزی و انباشت تجربی آن‌ها در سطوح مختلف مدیریتی، گفت: درواقع در این تجربه‌ورزی باید فضا را به نقطه‌ای برسانیم که امور زنان به یک نقطه طبیعی در مسیر ارتقای جایگاه حرکت کند.

وی با بیان اینکه برای این ارتقای جایگاه زنان در مسیر تجربه‌اندوزی لازم است به نقطه شایسته‌سالاری برسیم، خاطرنشان کرد؛ درواقع جنسیت نباید به عاملی برای طرد شدن یا به‌عنوان امتیاز مثبت برای افراد بدل شود.

این پژوهشگر حوزه زنان با بیان اینکه البته در گام‌های نخست این حرکت و تحول ما نیازمند توجه به جنسیت هستیم اما با در نظر گرفتن نسبت، ابزار کرد؛ اهمیت این مسئله بدان جهت است که ما در حال حاضر با درصد بالایی از زنان تحصیلکرده مواجهیم که مبتنی بر تحصیلات‌شان در جایگاه‌های مختلف مشغول به‌کار هستند.

دانشور، ادامه داد؛ در حال حاضر در سطوح

مدیریتی سقف شیشه‌ای (پدیده عدم توفیق زنان در دستیابی به سطوح عالی مدیریت) داریم که لازم است این سقف‌ها با جرأت پیدا کردن مدیران دستگاه‌های مختلف در سطوح مختلف به‌تدریج برداشته شود تا زمینه حضور زنان از طریق شایسته‌سالاری در سطوح مختلف فراهم و آن‌ها صاحب تجربه شده تا حضور زنان در ساختار دولتی ارتقا یابد.

وی با بیان اینکه در این بین اگر بخواهیم نحوه حضور زنان را در جایگاه‌های مدیریتی ساختارسازی

کرده و سیاستگذاری کنیم، کاری است تخصصی که باید توسط مسئولان انجام شود تصریح کرد؛ برای مثال در برنامه هفتم توسعه نیز پیش‌بینی شده که معاونت زنان ریاست جمهوری از نظر ساختاری باید ارتقا پیدا کند تا بتواند اثرگذاری بیشتری داشته باشد.

وی ادامه داد؛ درواقع این امکانی است که در این سند بالادستی فراهم شده؛ بنابراین لازم است دولت جدید به این ماده الحاقی برنامه هفتم توسعه توجه کند تا بتواند معاونت زنان را به لحاظ جایگاهی ارتقا دهد.

این پژوهشگر حوزه زنان با اشاره به اینکه در

وجود دارد، اما نقش این نهاد چیست و تا کجا بُرد دارد؟ چقدر می‌تواند در توانمندسازی، آگاه‌سازی، حساس‌سازی جامعه و مسئولان دغدغه ایجاد کند؟

بنابراین علت عدم حضور پررنگ زنان در عرصه‌های سیاسی، نیازمند آسیب‌شناسی است؛ اگر قرار بر این باشد که صرفاً با نگاهی مردانه یا کلیشه‌ای به حضور زنان توجه کنیم، طبیعتاً در احقاق حقوق افراد ازجمله زنان و خانواده با مشکل مواجه خواهیم شد.

در آستانه آغاز به‌کار دولت چهاردهم برآن شدیم تا در گفت‌وگو با نویسنده و پژوهشگر حوزه زنان به این امر بپردازیم که در ادامه می‌خوانید:

سعر دانشور عنوان کرد: پرداختن به آسیب‌شناسی حوزه زنان در ساختار دولت‌ها اقدام درستی است، چراکه طی سال‌های گذشته توجه خاصی به حضور زنان در سطوح عالی مدیریت و تصمیم‌گیری در کشور نشده است. وی افزود؛ این دو حالی است که این امر همواره مورد تأکید رهبری نیز بوده ، در دیدارهای مختلف با بانوان، به این نکته تصریح کرده‌اند که باید به فکر یک ساز و کار برای ایجاد تحول در این زمینه بوده تا در بخش‌های مختلف بتوانیم از این ظرفیت به‌درستی بهره ببریم.

وی با اشاره به اینکه البته در این مبحث باید به نکته دیگری نیز توجه کرد؛ این ضعف موجود متأسفانه ما را به سمتی رهنمون می‌کند که طراحی‌های کاریکاتورگونه برای حضور زنان در عرصه‌های این چنینی ناشی از عدم آگاهی ما؛ به مثل مدل امتیاز و داستان‌هایی که در دولت جدید مطرح می‌شود یا سهم‌خواهی و به عبارت دیگر تعیین سهم حضور، درصد حضور و درواقع نگاه کمی به این مسئله.

این پژوهشگر حوزه زنان با بیان اینکه درواقع این نگاه خطری است که ما را تهدید کرده و طبیعتاً یکی از عوارض وضعیت رها شدن حضور زنان در جایگاه‌های عالی است، خاطرنشان کرد؛ باید به این نکته توجه کرد که وقتی می‌خواهیم به این موضوع بپردازیم باید به نقطه مقابل و افراطی که ممکن است دچار آن شویم نیز دقت کنیم.

دانشور با تأکید بر اینکه آن چیزی که امروز می‌تواند ما را در این مسیر کمک کند این است که دید واقع‌بینانه داشته باشیم بدین معنا که مشخص کنیم در حال حاضر در سطوح میانی مدیریت و یا رده‌های پایین‌تر چقدر از ظرفیت

دوگانگی حضور فعال زنان و تعارض نقشی و شخصیتی

در جامعه

سپهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش؛ با توجه به اجتماعی شدن سنتی دختران و مردان از یک طرف و نیاز با رفتار جامعه مدرن به حضور فعال زنان از طرف دیگر، دوگانگی یا چندگانگی و تعارض نقشی و شخصیتی در جامعه به‌وجود آمده است.

مهدی مرادی؛ کارشناس حوزه کتاب یادداشتی با عنوان «دوگانگی حضور فعال زنان و تعارض نقشی و شخصیتی در جامعه» نوشته که نگاهی به کتاب «آیا زن بودن گناه است» نوشته محمد اسلام مجدی‌نسب دارد و برای انتشار در اختیار مهر قرار گرفته است.

کتاب مورد اشاره عوامل شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به زنان را بیان می‌کند و توسط انتشارات نشرشناسان و جامعه‌شناسان، منتشر و روانه بازار نشر شده است.

مشروح متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانید:

نویسنده («آیا زن بودن گناه است») تلاش کرده عواملی که باعث شکل‌گیری نگرش منفی به زنان و دختران و پیامدهای حاصل از این نوع نگرش در طول تاریخ بوده را شناسایی و واکاوی کند. و پس از طرح مسئله‌ها و آسیب‌های حاصل از این پدیده در این کتاب، با بررسی و پژوهش در اعصار مختلف و بازخوانی وضعیت زنان و دختران از دوره هخامنشی تا ساسانی و ساسانی و زرتشت و غیره تا دوره پیش از مشروطه و مشروطه و نیز پهلوی اول و دوم و نظام جمهوری اسلامی، به دنبال توصیف جایگاه زنان و دختران در طول تاریخ است. وی پس از طرح جایگاه و وضعیت تاریخی زنان و دختران در عرصه‌های مختلف، وارد فصل سوم و توصیف اوضاع زنان و دختران در کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای پیشرفته اروپایی مانند فرانسه، آمریکا، آلمان و غیره می‌شود.

همچنین در دیگر فصل‌ها نیز ضمن طرح نگرش راستین اسلام به زنان و دختران، تلاش شده است تا موضع اسلام ناب در رابطه با موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح کند. در پایان و برآیند آن هم، با برشمرن مسئله‌ها و برخی از آسیب‌های فردی و اجتماعی حاصل از این نوع نگرش منفی در خصوص زنان و دختران، راهکارهای احتمالی مناسب، جهت حل و یا حد امکان تعدیل این مسئله‌ها و آسیب‌ها را به مخاطبان ارائه می‌کند.

باید توجه داشت که در وهله نخست عنوان کتاب (آیا زن بودن گناه است) جذاب است و مخاطب خود را می‌تواند به‌خوبی جذب کند.

سپهرغرب، گروه ریحانه‌آفرینش؛ روایتگری که سهم عمده‌ای از آن را زنان سرافراز غزه بردوش می‌کشند و با ایستادگی و تاب‌آوری شان در میانه‌ی ویرانه‌های خانه و کاشانه و با باری از غم جانکا پرپرشدن جگرگوشه‌هایشان به دنیا مخایره می‌کنند. و در برابر فروپاشیدن مرزهای انسانیت، شرافت و دین، قد علم کردند و حال دنیا را از فرو غلتیدن در خواب روزمرگی و چشم فروستن بر ظلم ظالمان و حال مظلومان درگرون کرده‌اند.

رستم پیروز میدان نبرد با سهراب، اما شکست‌خورده تاریخ است. این ماجرا، داستانی از تراژدی نبرد پدر و پسر جوانش با روایتگری فردوسی» شاعر نامدار ایرانی است؛ این پیامد، مبتنی بر«روایت» واقعی و براساس آن، قصات تاریخ است که برنده و بازنده هر میدان را مشخص می‌کند.

شان این روایتگری اکنون در نبرد نابرابر میان رژیم صهیانگر اسرائیل با فلسطین و غزه به طور واضح به‌چشم می‌آید. هرچند شاید مقاومت مبارزان فلسطینی در میدان، در صحنه محاسبات عینی شکست بخورد و افراد آن کشته شوند، و یا به خاطر خیانت و قساوت حریف، غیر نظامیان زیادی از کودکان و زنان و مردان فلسطینی به شهادت برسند، اما در حقیقت پیروزی از آن جبهه‌ای است که اهداف و آرمان آن محقق شود و روایت او از میدان به قلب تاریخ برسد. آرمان مقاومت، بلندشدن شرافت و دین، قد علم کردند و «نجات فلسطین» است که اکنون در همه قاره‌ها و شهرها فریاد می‌شود و مسئله فلسطین به اکنون توجه افکار عمومی باز گشته است و «روایت جعلی» رژیم دهنمش اسرائیل که در طی دهه‌های گذشته برای جهانیان تصویرسازی کرده بود، فرو ریخته است.

روایتگری که سهم عمده‌ای از آن را زنان سرافراز غزه بردوش می‌کشند و با ایستادگی و تاب‌آوری‌شان در میانه ویرانه‌های خانه و کاشانه و با باری از غم جانکا پرپرشدن جگرگوشه‌هایشان به دنیا مخایره می‌کنند و در برابر فروپاشیدن مرزهای انسانیت، شرافت و دین، قد علم کردند و حال دنیا را از فرو غلتیدن در خواب روزمرگی و چشم فرویستن بر ظلم ظالمان و حال مظلومان درگرون کرده‌اند.

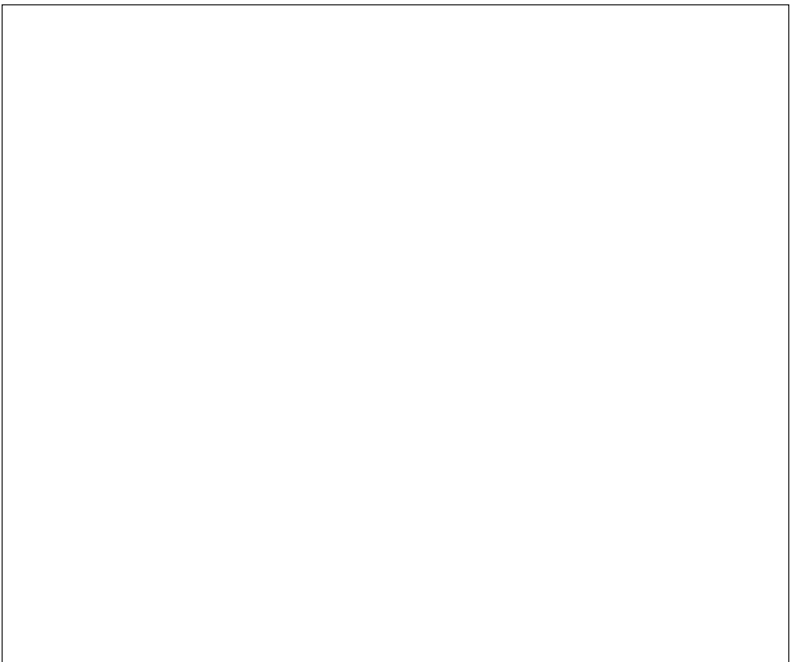
روایتگری که از مصادف دو جبهه حق و باطل، طیب و خبیث خبر می‌دهد، به گواه تاریخ، پایه‌گذار این سبک از مقاومت و روایت را باید جناب زینب (سلام‌الله علیها) معرفی کرد. سبکی که ریشه در اعماق یکی از مهم‌ترین جریانات سیاسی اجتماعی تاریخ دارد؛ حماسه کربلا.

آن نیز نشان می‌دهدکه این فصل پرفراز و نشیب‌ترین بخش کتاب است. چرا که؛ بررسی نظریات اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی و انسانی مطرح شده در کتاب، خیلی مورد بحث و موضوع کتاب نیست و نویسنده نظریات جامع‌گرا، این حوزه می‌توانست مطرح نماید؛ هرچند که در بخش نظریات فمینیسم و به‌خصوص در بخش نگرش اسلام به زنان تا حدود زیادی این چالش را مرتفع می‌نماید. اما بررسی فصل هفتم که تحت عنوان «پایدها و ناپایدها؛ مسئله‌ها و آسیب‌های زنان» نگاشته شده است، شاید جذاب‌ترین و خواندنی‌ترین فصل این کتاب باشد. نویسنده با طرح ده‌ها چالش برای زنان و دختران معاصر ایران و سایر کشورها و تبیین این مشکلات، توانسته فضایی را ترسیم نماید که اعضا جامعه اعم از زن و مرد، با وظایف و نقش‌های جدید و تعریف تازه، زمینه‌های مدرن، آشنا شوند. چراکه به‌درستی نویسنده اشاره می‌نماید؛ «با توجه به اجتماعی شدن سنتی دختران و مردان از یک طرف و نیاز با رفتار جامعه مدرن به حضور فعال زنان و دختران، از طرف دیگر، دوگانگی یا چندگانگی و تعارض نقشی و شخصیتی در جامعه به‌وجود آمده است، که باعث سردرگمی افراد جامعه، اعم از زنان و مردان گشته» نویسنده کتاب نیز با طرح راهکارهای نسبتاً مناسب به حل این پدیده‌ها پاسخ می‌دهد.

در صفحه ۱۰۶ به بعد، مباحث خوش فرمی دیده می‌شود. نگارنده با طرح عدم استقلال مالی و به‌وجود آمدن رانت موقعیت اجتماعی تاریخی مردان، هزینه‌های روانی و اجتماعی این پدیده را شرح می‌دهد. و نیز با طرح تنوع طلبی جنسی به‌خصوص در مردان با استفاده از نظریه بودردیو و تطبیق طریف این تئوری با احادیث، روایات و آیات قرآن سبک زندگی نوین و لایه‌های پنهان آن را آشکار می‌نماید. می‌طلبید نویسنده در تشریح مسئله‌های دیگر به نقش رسانه و زن، تحقیر اجتماعی زنان، افزایش سن ازدواج، وابستگی زنان به خانواده، چالش‌های شاغل شدن زنان و غیره که هر یک به فراخور جامعه جدید و ارتباطات موزاییکی افراد جامعه است بپردازد.

در مجموع می‌توان گفت علاوه بر آنکه، مطالب کتاب «آیا زن بودن گناه است» تا حدودی توانسته به هدف خود دست پیدا کند، لیک معتقدم مسئله‌ها و آسیب‌ها جدی دیگر در این حوزه وجود دارند که نیازمند، بحث و بررسی جدی‌تر هستند.

مکتب مقاومت زنانه؛ زیست عزتمندانه



این مکتب، حد والایی از کنشگری زنانه را در میدان عمل به رخ می‌کشد و تصویرهای قالبی جنسیتی از زن به‌عنوان یک انسان ضعیف و تحت سبطریه عواطف، ناکارآمد و ناتوان در میدان جنگ را به مجاهدی باصلابت، مسلط بر عواطف، تدبیرگر میدان و حمایت گر تغییر می‌دهد.

زینب مجاهدت کرد اما نه با شمشیر و نه لزوماً در تشابه با مردان؛ او با وجود غم جانکا از دست دادن برادری که امام بود و فرزندان جگرگوشه او و خودش و نزدیکترین بارانشان و به خاک و خون کشیده شدن ایشان، اراده از کف نداد و سر تسلیم فرود نیاورد و با رهبری و هدایت بقیه زنان حاضر در واقعه کربلا صفعاتی را به برگ‌های تاریخ پیوند زد که باعث شد، نخست حادثه نظامی که با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه عاشورا به پایان رسید؛ تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود و دوم کاری کند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده و مخالفان خود را قلع و قمع کرده و بر تخت پیروزی تکیه زد، در مقرر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او می‌زند و پیروزی او را تبدیل می‌کند به یک شکست؛ این کار زینب کبری است[۱].

*سیماباقرزاده

[۱] برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران ۱۳۸۹/۰۲/۱